

پادگان ابوذر

علیرضا پوربزرگ وانی

[حماسه حضور نیروهای مسلح
در آغاز تجاوز]

حدیث ماندگاری

جلد بیستم

انتشارات سوره سبز

نویسنده: علیرضا پوربزرگ وافق

ناشر: سوره سبز

ویراستار: شعاع الدین فلاح دوست

مدیر تولید: محسن صادقی نیا

مدیر هنری: جبهه هنرهای زیبا- مجتبی صالحی

صفحه آرای: آذر زینی طلاپری

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۰-۱۵-۲

قیمت: ۲۰۰۰ تومان



انتشارات سوره سبز

- سرشناسه • پوربزرگ وافق، علیرضا، -
عنوان و نام پدیدآور • پادگان ابودر / علیرضا پوربزرگ وافق،
مشخصات نشر • تهران: سوره سبز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری • ۷۶ ص.
شابک • ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۰-۱۵-۲
وضعیت فهرست‌نویسی • فیا
موضوع • جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان
داستان‌های فارسی- قرن ۱۴
رده بندی کنگره • ۸۱۳۹۰ ی ۴۲۵۳ ص/ ۹۲۱۳ PIR
رده بندی دیویی • ۸۳۳ / ۶۲
نمابر کتابشناسی ملی • ۲۴۵۲۱۶۰

تلفن مراکز پخش:

۸ - ۲۱ / ۲۶۲۰۲۹۴۷ -

۰۹۱۲۵۱۳۱۲۶۸

Sooresabz@yahoo.com

سخن ناشر

سی سال پیش... انگار همین دیروز بود که صدای ناسازی، نواخت آهنگ زندگی مان را که با ساز انقلاب تازه کوک شده بود، بر هم زد. صدای ناهنجاری که خواب کودکان مان را در آغوش مادران ترس دیده هراسان کرد.

به یاد صحنه های غریب زندگی در جشن مهرگان خرمشهر در جنگ و کوچ اجباری هم وطنان مان از آبادان سوسبز که با غرش هواپیماهای جنگنده و گلوله های خصم به عزادیل شد.

وقتی اولین روز مهر سال ۱۳۵۹، با صدای جنگ چشم باز کردیم، جز آتش و دود، خاک و خون و گودال هایی که همسایگان بی گناه را در خودش می بلعید، چه دیدیم؟

انگار همین دیروز بود که آرامش از کوچه های مهرمان دامن کشید و صدای آژیر آمبولانس ها، سفیر مرگ را در خیابان های شهرهایمان همراهی می کرد. بچه هایی که صبح در میانه ی راه با رنگی پریده به خانه بازگشتند، در همان خانه یا در راه مدرسه زیر

خاک مدفون شدند و اگر زنده ماندند دیگر آن خانه و مدرسه را ندیدند.

خیلی ها پس از سال ها به نزدیکی پل خرمشهر که رسیدند ساعت ها میان کوچه های ویران شده و خیابان های بی پلاک سرگردان و متحیر ماندند. خیلی ها نتوانستند خانه هایشان را پیدا کنند، هیچ نشانه ای نبود. روی تلی از ویرانه ها نومیدانه با شک و تردید به دنبال گمشده ی خود می گشتند و کلامی برای نجوا با ویرانه ها نمی یافتند. از آن خانه های بزرگ با آدم های مهربان، تنها دیواری مخروب مانده بود، دیواری که روزگاری خانواده ای به آن تکیه داده بود.

چقدر به آن دیوارها خیره ماندند!
انگار چشم هایشان شهید شده بود!

راستی چه کسانی دیوارها را از دشمنی ها پلاک کرده بودند؟
جنگ با همه ی چهره های سیاهش، سپیدی هایی هم داشت، گوشه ی بزرگی از آن سپیدی، نترسیدن های مردانی بود از جنس صفوی سُهی ها، هداوند میرزایی ها، شریف اشراف ها، حسین ادبیان ها، پرویز مدنی ها و... که کوه وار و سینه ستبر برجسته ترین قانون فاحش جنگ را آفریدند که همانا شهادت نام داشت.

مردانی مرد و آشنای درد که آسیمه سر رفتند و ترس از متلاشی شدن پیکرهایشان نداشتند. مردانی که در دامن پاک مادران دیروز متولد شدند، رشد کردند و حماسه‌ها آفریدند و اینک تنها یادی از آنان بر جای مانده، تازه اگر...؟!

و ما که نمی‌خواهیم فراموش‌شان کنیم، رسالتی به قدر بضاعت‌مان بر دوش خود گذاشته‌ایم. باشد تا این نسل، نسل به اصطلاح خودشان "سوخته" آگاه شوند از تفاوت دیروز و امروزشان. دیروزی که دیگر نیست و امروزی که می‌شود دید و فهمید تا دنیایی را که دیگر هدف، دفاع، اندیشه و رنج‌های انسانی برایش مضحک، مرده و بی‌معناست.

نمی‌خواهیم تلنگر بیداری باشیم و قصد تحمیل هیچ تفکری را نیز به جامعه نداریم. تنها تعریفی است از "هست"‌هایی که مظلومانه زیر پوست عجیب و غریب زندگی امروز پنهان مانده‌اند. "سوره سبز" با اقتدا به روان پاک شاهدان هشت سال دفاع و تحیت و احترام به صبوری و سکوت مردانه‌ی جانبازان بزرگوار که اینک پشت خاکریزهای "درد" سنگر گرفته‌اند ضمن تقدیر از زحمات امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان (فرمانده نیروی زمینی ارتش)، سرهنگ ستاد مجتبی جعفری (رئیس سازمان ایشارگران

نزا(جا)، سرهنگ شعاع الدین فلاح دوست و سرهنگ احمد حیدری،
به قلم تنی چند از نویسندگان و کوشندگان نستوه امروز که
عقدہ‌های‌شان را انشا کرده‌اند، به معرفی چند پیکر تشییع شده و
تشییع نشده می‌پردازد که:

با سپاس از این عزیزان؛ دستانی سبز؛ روزگاری آبی؛ و خاطری
آسوده برایمان آرزومند است.

انتشارات سوره سبز

مقدمه

اختلافات مرزی ایران و عراق حکومت وقت ایران را بر آن داشت که در نواح مرزی ایران و عراق دست به تأسیس یگان‌های قدرتمندی بزنند که توانایی مقابله با تهاجم احتمالی عراق یا حتی توانایی حمله سریع به عراق را داشته باشد. این یگان‌ها که در جنوب با تأسیس گردان ۱۵۱ پیاده‌ی دژ خرم‌شهر و پادگان حمید آغاز شد در غرب هم با تأسیس تیپ قدس‌شاهین که بعدها به نام (ابوذر) تغییر نام داد تکمیل گردید. تیپ ابوذر که در ۲۰ کیلومتری شهر سرپل ذهاب (شمال) قرار دارد و پایگاه مطمئنی برای جلوگیری از تجاوز دشمن به حساب می‌آید. شهرک کآ ورین عراقی هم در ۸ کیلومتری این پایگاه بنا شده است.

قدمت شهر سرپل ذهاب به ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و این شهر پیشینه‌ی باستانی ارزشمندی دارد که ۳۲ اثر آن ثبت شده است. بقعه‌ی مبارکه احد بن اسحاق که از صحابه‌ی ائمه و وکیل

خاص حضرت امام حسن عسگری (ع) است در این شهر قرار دارد. آثار حکومت‌های ماد، هخامنش و ساسانی در این شهر به وفور یافت می‌شود. این شهرستان از شمال به شهرستان جوانرود، از غرب به شهرستان قصر شیرین، از شرق به شهرستان اسلام آباد و از جنوب به شهرستان گیلان غرب محصور است و دارای زمستان‌های معتدل و تابستانی گرم است و از نقاط گرمسیری استان کرمانشاه به حساب می‌آید.

مساحت این شهر بیش از ۱۲۷۰ کیلومتر مربع و فاصله‌ی آن تا تهران ۶۶۵ کیلومتر می‌باشد. این شهر در مسیر جاده‌ی بین‌المللی تهران- بغداد موسوم به (جاده‌ی کربلا) قرار دارد. این امر شهر سرپل ذهاب را از نقطه نظر نظامی حائز اهمیت می‌سازد و یکی از اهداف مورد توجه برای تصرف توسط نظامیان عراق قلمداد می‌شود.

شهرستان سرپل ذهاب از طوایف متعددی تشکیل شده و اعتقادات شیعه، سنی و اهل حق در میان اهالی آن رایج می‌باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استکبار جهانی توسط حکومت بعثی عراق با رخنه در آن منطقه، سعی در ایجاد تفرقه و نفاق بین مردم آن نمود و تا اندازه‌ای هم در این مسیر موفق بود. حکومت جمهوری اسلامی ایران با آگاهی دادن به مردم آن منطقه بخش

عمده‌ای از توطئه‌های دشمنان را ختشی کرد. این بار دشمن کوشید با بمب گذاری داخل شهر و مین گذاری معابر ایجاد نا امنی نماید و با سرازیر کردن انواع سلاح ها، این شهر را مرکز خرید و فروش انواع سلاح و مهمات قرار داد که در نهایت نتیجه ی همه ی این مسائل، غارت مغازه‌ها و فروشگاه‌های شهر بود و گستره ی ناامنی به اوج رسید.

یکی از مسیرهای تهاجم دشمن بعد از ۳۱ شهریور ۵۹ محور خانقین - قصر شیرین - سرپل ذهاب و پاتاق بود... به همین منظور سپاه دوم ارتش عراق متشکل از لشکر ۴ و ۸ پیاده و ۶ زرهی در این محور گسیل شدند. دشمن که در ۱۵ شهریور ۵۹ سعی در انتقال نبرد به این مناطق را داشت و یک تیپ پیاده مکانیزه خود را به منطقه اعزام کرده بود، در ساعات اولیه ی تهاجم و تجاوز خود توانست شهر قصر شیرین را که فقط ۱۵ کیلومتر با مرز فاصله داشت به اشغال در آورد.

سپس به سمت سرپل ذهاب حرکت نمود و در مسیر با گردان مالک اشتر از یگان‌های پادگان ابوذر درگیر شد که در این درگیری بیشتر افراد این گردان به شهادت رسیدند. ورود نیروهای کمکی از همدان و یگان‌های اطراف هم نتوانست مانع مهمی در پیشروی عراقی‌ها ایجاد کند و عراق هم با گرفتن تلفات سنگین از یگان

مستقر در کلاتر به پیشروی ادامه داد و توانست بخشی از شهر سرپل ذهاب را به اشغال در آورد.

ورود هوانیروز به پادگان سرپل ذهاب که در حال سقوط بود و از هر طرف در محاصره قرار داشت جان تازه‌ای به موافقین این شهر بخشید و خیلی زود هوانیروزی‌ها توانستند با شکار تانک‌ها و نفربرهای عراقی ماشین جنگی آنها را متوقف و سپس مجبور به عقب نشینی نمایند. این عقب نشینی تا ارتفاعات بازی دراز ادامه یافت و فرصتی به نیروهای خودی برای بازسازی داد. درگیری‌ها هفت روز ادامه یافت و در نهایت اولین پیروزی را برای نیروهای ایرانی رقم زد.

با توجه به اهمیت سوق الجیش منطقه‌ی سرپل ذهاب، ارتش عراق مصرانه قصد اشغال این منطقه را داشت که با مقاومت‌های نیروهای حاضر در منطقه به این هدف نرسید. عراق به خاطر کینه‌ای که از یگان‌های حاضر در این منطقه به دل داشت (به خصوص به خاطر اعدام فرمانده لشکر ۸ خود به دلیل شکست‌های فاحش روزهای اولیه تهاجم) اقدام به بمباران وسیعی کرد که منجر به شهادت خیلی از نیروهای حاضر در منطقه گردید.

پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران. عراق با حمایت منافقین که با کمک استکبار به طور کامل آنها را تجهیز نموده بود تلاش کرد تا به آرزوی دست نیافته‌ی خود که همان تسلط بر گردنه‌ی پاتاق بود برسد. منافقین با بهره‌گیری از مدرنترین سلاح‌ها و نیروهای خود که از تمام جهان جمع‌آوری کرده بودند تا گردنه‌ی پاتاق پیشروی نمودند.

این بار نیروی ورودی امروز با فرماندهی مستقیم سپهبد شهید صیاد شیرازی، خواسته‌های آنها را نقش بر آب کرد و در ادامه، ورود نیروهای داوطلب از اقصی نقاط کشور، همکاری عمل را از منافقین و حامیانش گرفت و با تارومار شدن منافقین، رسوایی دیگری برای آنها رقم خورد.

هر چند دفاع هشت ساله‌ی ما منجر به شهادت راز دست دادن بزرگانی چون خلبان شیرودی، سهیلیان- کشوری و فرماندهان لایقی چون سرهنگ حاج حسین ادیبان و سرهنگ مصلحی و پاسدار پیچک و دهها ابر مرد از جان گذشته گردید، ولی خون این شهیدان ارزشمند و رزمندگانی که جانانه در منطقه به دفاع برخاستند، باعث حفظ شهر سرپل ذهاب و پادگان ابوذر گردید.

مسلم! اگر دفاع جانانه‌ی این مردان تاریخ ساز نبود دشمن می‌توانست با بهره‌گیری از این شهر و پادگان ابوذر به خیلی از اهداف خود برسد.

حرکت ارزشمند مدافعین این منطقه و همه‌ی مناطق مرزی برگ زرینی به صفحات تاریخ پر صلابت ایران افزود و تا همیشه به عنوان سند افتخار در تاریخ کشور جاودانه می‌ماند.

www.ketab.ir